نقد رأی[1]

حق تجدیدنظرخواهیِ وکیل تسخیری

مستقل یا وابسته به موکل؟

دکتر نصرالله قهرمانی *

مقدمه

شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور در یک مورد که وکیل تسخیری از رأی دادگاه کیفری استان به وکالت از موکل درخواست تجدید نظر کرده، چنین رای داده است: «هرچند طبق رای وحدت رویه شماره ۵۹۸ مورخ ۷۴/۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، وکیل تسخیری حق تجدیدنظرخواهی دارد، لیکن اِعمال این حق نباید با حق تجدیدنظرخواهی یا عدم تجدیدنظرخواهی محکوم علیه تعارض پیدا کند. در این پرونده، علیرغم عدم اعتراض محکوم علیه، وکیل تسخیری وی که هیچ گونه نمایندگی از ناحیه وی نداشته است و صرفاً جهت اجرای قانونی مداخله وکیل در این پرونده از طرف دادگاه تعیین شده، لذا این موضوع با توجه به این جهات قابلیت طرح در دیوان عالی کشور را ندارد.»

متن رای وحدت رویه شماره ۵۹۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور به آن اشاره کرده چنین است:

«چون به صراحت قسمت اخیر ماده ۱۲ قانون تشکیل محاکم جنایی، در مواردی که رییس دادگاه، در اجرای ماده ۹ قانون مرقوم،

۱. نقد رای شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۱۵۰۰۸۰۵ مورخ ۹۱/۱۱/۴ شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور در مورد وکالت تسخیری

* وکیل دادگستری

برای متهم وکیل تسخیری تعیین می نماید، مدت اعتراض در هر حال اعم از اینکه متهم بعداً وکیل دیگری تعیین کند یا نه، از همان تاریخ ابلاغ به وکیل تسخیری مذکور احتساب خواهد شد و به این ترتیب قانونگذار برای وکیل تسخیری حق تجدیدنظر خواهی قائل شده است. لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی رای شعبه ۴ دیوان عالی کشور که متضمن این معناست صحیح تشخیص می گردد ...»

هرچند شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور به تبعیت از رای وحدت رویه هیأت عمومی نوعاً درخواست تجدیدنظر وکلای تسخیری را قابل پذیرش دانسته است، لیکن اِعمال این حق را مشروط به عدم تعارض آن با نظر متهم نموده است. به عبارت دیگر، به نظر قضات شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور، چنانچه متهم شخصاً از حق تجدیدنظرخواهی استفاده نکند و یا از این حق صریحاً صرفنظر کند، تجدید نظرخواهی وکیل تسخیری قابل پذیرش نخواهد بود و در توجیه این نظر، چنین استدلال کرده‌اند: وکیل تسخیری هیچ گونه نمایندگی از ناحیه متهم ندارد و صرفاً از نظر اجرای قانون توسط دادگاه به عنوان وکیل متهم تعیین می‌شوند.

رای شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور در مورد وکالت تسخیری، از دو جهت قابل بررسی است:

الف: آیا آنگونه که قضات شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور در توجیه عدم پذیرش تجدید نظرخواهی وکیل تسخیری اعلام داشته اند، وکیل تسخیری هیچ گونه نمایندگی از ناحیه موکل خود ندارد، یا برعکس، علیرغم انتخاب او توسط دادگاه، او از کلیه اختیارات مربوط به مداخله در امر دادرسی و حق تجدیدنظر خواهی برخوردار است؟

ب: آیا آنگونه که قضات شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور استدلال کرده‌اند، پذیرش تجدیدنظرخواهی وکیل تسخیری، مشروط به تجدیدنظرخواهیِ همزمان موکل وی

است و در صورت عدم تجدیدنظر خواهی موکل، درخواست تجدیدنظر وکیل تسخیری پذیرفته نمی‌شود؟

در پاسخ باید گفت، هرچند وکیل تسخیری با موکل خود وکالتنامه ای تنظیم نمی‌کند، لیکن با اخطاری که دادگاه برای تعیین وکیل به متهم می نماید، چنانچه متهم به هر دلیلی - اعم از نداشتن توان مالی و یا جهات شخصی- به این اخطار دادگاه، پاسخ مثبت ندهد، سکوت وی در این قبیل موارد، تلویحاً به معنای تفویض حق انتخاب وکیل به دادگاه است؛ به ویژه آنکه در پرونده‌های مطرح در دادگاه کیفری یک به لحاظ اهمیت بزه و ضرورت رعایت حق دفاع متهم، قانونگذار دخالت وکیل را اجباری دانسته است. اهمیت دخالت وکیل در این قبیل پرونده‌ها به قدری است که متهم نمی‌تواند مانع دفاع وکیل از خود شود و فقط می‌تواند به جای او، وکیل دیگری را به عنوان وکیل تعیینی انتخاب کند. به بیان دیگر، اعلام متهم مبنی بر اینکه او شخصاً از خود دفاع می‌کند و نیازی به تعیین وکیل تسخیری ندارد، دادگاه را از تعیین وکیل تسخیری معاف نمی‌کند. بنابراین، به طریق اولی در مواردی که دادگاه به حکم قاعده «الحاکم ولی الممتنع» برای متهم، وکیل تسخیری تعیین می‌کند، چنین وکیلی تمامی اختیارات مربوط به مداخله در امر دادرسی را که در دادگاه تعیین‌کننده وکیل تسخیری قابل اِعمال است، از جمله «حق تجدیدنظر خواهی از حکم دادگاه» را دارا می باشد. به عبارتی، او نماینده و وکیل متهم در جریان دادرسی تا ختم آن خواهد بود.

ضرورت مداخله وکیل تسخیری در تجدید نظرخواهی، از این جهت است که جریان رسیدگی به پرونده در مرحله دیوان عالی کشور، فنی تر و دقیق تر بوده و لزوم دخالت وکیل در این مرحله بسیار محسوس است و قانونگذار که مداخله وکیل را در دادگاه کیفری یک برای حفظ حقوق متهم لازم تشخیص داده، بعید است در مرحله تجدید نظرخواهی، حق انجام یک محاکمه عادلانه و منطبق بر اصول قانونی را از وی دریغ کرده باشد.

هرچند پرونده محاکماتی شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور حاکی از آن است که متهم در جریان ابلاغ رای دادگاه کیفری استان، به وی اعلام داشته است که نسبت به آن

اعتراضی ندارد، اما این بیان وی، مانند آن اســـت که وی درجریان محاکمه در دادگاه استان از خود دفاع نکند و یا اقرار به بزه کند.

آیا در چنین حالتی می‌توان گفت که وظیفه دفاع وکیل تسخیری ساقط می‌شود؟ بدون تردید، پاســـخ به این پرســـش، منفی است؛ زیرا تعیین وکیل تسخیری توسط دادگاه یک برای این قبیل متهمان به منظور انجام دفاع تام و تمام از آنها در راستای اجرای عدالت قضایی به دلیل سنگینیِ اتهام و ایجاد قناعت وجدانی در جامعه است که اتهام شخص متهم در یک محاکمه عادلانه مورد رسیدگی واقع شده است. از این رو، حتی در مواردی که متهم صریحاً اعلام کند نسبت به رای دادگاه کیفری یک اعتراضی ندارد، وکیل تســـخیری وی با این اعتبار که از طرف دادگاه کیفری یک برای تضمین حقوق دادرسی متهم به این سمت انتخاب شده است، باید از حق تجدیدنظر خواهی خود استفاده کند و نپذیرفتنِ درخواست تجدیدنظر وکیل تسخیری حتی در این مورد هم منطبق بر موازین نیست.